

يك دو شيزه پيشرو

در ممالك متحده امریکا نام دو زن همواره با احترام یاد میشود. تقریباً یکصد و سی سال پیش، ایامیکه اطلاعات زنان محدود بخواندن و نوشتن و حساب بود دو بانوی پیشگام امریکائی قد برافراشته با کمال شجاعت و شهامت گفتند زنان باید بامردان در تعلیم و تربیت یکسان باشند.

گرچه در آنموقع همه باین حرف خندیدند و گفتند غیر ممکن است، لکن دیری نیائید که بهمت و پشتکار آن دو پیشرو این منظور عملی گردید. ترقی و پیشرفت عظیمی که امروزه در تعلیم و تربیت زنان در امریکا مشاهده میشود مرهون زحمات این دو بانوی نامی است: مری لیون Mary Lyon و کاترین بیچر Catherine Beecher.

در ۲۸ فوریه سال ۱۷۹۷ در يك کلبه محقر واقع در میان کوههای قسمت غربی ایالت ماساچوست کودکی زیبا ولی گمنام در میان خانواده ای فقیر پا بعرصه وجود گذاشت این کودک را مری لیون نام نهادند.

مری دختری فعال - راستگو و خوش قلب بود. فکرش متوجه خدمت بنوع و پیوسته در تجسس و درك مطالب جدید بود. در آموزشگاه يك حافظه فوق العاده قوی و يك قدرت بزرگ برای فرا گرفتن دروس از خود نشان داد.

موقعی که سیزده سال داشت قسمتی از خانواده او به ایالت اُهایو نقل مکان کردند ولی مری در مکان سابق باقی ماند و از برادر خود نگهداری میکرد و در هر هفته يك دلار بعنوان پاداش دریافت مینمود. بعد از پنج سال برادر او ازدواج کرد و مری برای امرار معاش بتدریس پرداخت و در هفته هفتاد و پنج سنت دریافت میکرد. کم کم با اندوخته ای که داشت موفق شد یکدوره از آموزشگاه ساندرسن را با موفقیت طی نماید. در آموزشگاه ساندرسن فردی کاملاً ممتاز بود بطوریکه یکروز استاد او گفت «خیلی مایلیم ببینم اگر این دختر دانشکده برود چه میشود»

روزهای سخت و پرمشقت کم کم فرا رسید. پس انداز او تمام شد و برای اینکه بتواند دوره دوم آموزشگاه را بگذراند ناچارتن بکار زیاد داد و بدون اینکه سلامت خود توجهی بکند در شبانه روز بیست ساعت زحمت می کشید و فقط چهار ساعت استراحت مینمود تا بالاخره دوره دوم را نیز با موفقیت پایان رساند و آوازه شهرت او در اطراف پیچید. پس از خاتمه تحصیل باز بتدریس پرداخت. اغلب بشاگردان پند و اندرز میداد از جمله میگفت که اگر آنها از زندگی خود ناراضی هستند برای این است که خیلی بیش از مقداریکه در باره دیگران فکر میکنند در باره خود میاندیشند.

از گفته های اوست که: « هر کجا فکر خوب پیدا شود تولید احترام میکند. زنان را تربیت کنید در نتیجه مردان تربیت خواهند شد.

بگذارید زنان بهمان مقدار که خود را دوست دارند، همسایگان خود را دوست بدارند تا بزرگترین سعادت ها را درك کنند.

مری لیون ۱۶ سال از عمر خود را در راه تربیت دوشیزه گان امریکا صرف نمود. لباسش بسیار ساده و اغلب شخصاً بافته بود. پولی را که بدست میآورد صرف تحصیل دختران فقیر میکرد.

در سن سی سالگی باو پیشنهاد ازدواج کردند. ولی او برای رسیدن بیک هدف عالی در تلاش بود. احساس کرد که برای مقصود مقدس خویش همه چیز حتی عشق را باید فدا نماید. تمام کوشش او در این موقع مصروف ایجاد ساختمان مناسکی برای آموزشگاه عالی دختران بود تا دوشیزگان روستائی و آموزگاران بی بضاعت بتوانند با مصارف کمی تحصیلات عالی خود را پایان رسانند ولی با هر که در این باره صحبت میکرد او را نا امید میکردند.

مری لیون آموزشگاه را ترك کرد و بجمع آوری وجوه لازم جهت ساختمان بنای جدید پرداخت. در مدت دو ماه یکهزار دلار جمع آوری کرد. برای اینکار در مجالس زنان شرکت می کرد و با طبقات مختلف آمیزش می نمود. این امر دوستان او را معذب و نگران میداشت. باو می گفتند بهتر است تو در خانه بمانی و این کار را مردان انجام دهند ولی مری به سرزنش دوستان توجهی نداشت. یکروز در جواب آنها گفت « من وظیفه بزرگی دارم و بهیچ قیمتی از انجام آن دست نخواهم کشید ».

در سوم اکتبر ۱۸۳۶ اولين سنگ بنای آموزشگاه مونت هولبوك را در مقابل مؤسس آن مری لیون کار گذاشتند .

« سنگ ها و آجرهای این بنا بزبانی سخن می گوید که روح مرا تکان می دهد » این جمله را مری لیون در باره آن روز نوشته است .

يك روز دیگر در حالی که از شدت کار و رسیدگی با امور ساختمانی سخت کوفته شده بود گفت « اگر هزار بار عمر می کردم همه را صرف این مدرسه می کردم و اگر بزرگترین سرمایه جهان نصیب من میشد بآسانی نثار پیشرفت این کار مینمودم » .

در پائیز سال ۱۸۳۷ بنای چهارطبقه آموزشگاه ساخته و پرداخته گردید . بولی که برای شبانه روزی و حق التعلیم از شاگردان دریافت میشد فقط يك دلار و ۲۵ سنت در هفته بود . ميس لیون برای خود در سال ۲۰۰ دلار دریافت میکرد .

مری لیون کم کم احساس میکرد که آفتاب عمرش رو بزوال است و دانست که احتیاج شدیدی بااستراحت دارد . کار زیاد او را رنجور و خسته کرده بود . یکروز زن جوانی در آموزشگاه فوت کرد . مری لیون دختران را دور خود جمع کرد و برای آنها از مرگ سخن گفت از آنها خواست نمود که از مرگ نهراسند و همواره برای استقبال آن آماده باشند . همچنین اظهار داشت « در دنیا از هیچ چیز بیم ندارم بجز اینکه روزی وظیفه خود را ندانم یا در انجام آن قاصر باشم » .

این گفته را بعدها روی سنگی که بیادبود او برپا شده بود نوشتند . چندی بعد مری لیون برای همیشه چشم از جهان فرو بست در حالیکه قلبهایی از محبت او می طپید و چشمانی بخاطر او گریان بود . در زمینهای آموزشگاه مونت هولبوك استاد مهربان و پیدشرو محبوب خود را بخاک سپردند ، يك سنگ زیبای چهار گوش از مرمر ایتالیائی آرامگاه ابدی او را مشخص میکرد .

فعالیت مری لیون در رأس آموزشگاه مونت هولبوك فعالیت يك زن قهرمان بود . در ایامیکه آموزش و پرورش زنان محدود بود و حتی در نظر بسیاری از مردم غیر ضروری مینمود در روزهاییکه او و آموزشگاه او پیوسته مورد حمله و استهزاء جراید قرار میگرفت این زن دانشمند علی رغم مشکلات و تحریکات در انجام مأموریت مقدس خود ثابت ماند و روح بزرگ و اراده خلل ناپذیر او در خدمت به خلق بالاخره پیروز گردید .